

زن. ایران و مذهب

از دیدگاه دکتر ماری لوتران جامعه‌شناس فرانسوی

جریان یک سویه اطلاعات و تحریف اخبار از طرف رسانه‌های غربی و عدم آگاهی از واقعیت‌های موجود ایران موجب می‌شود، هر محقق که برای اولین بار به این کشور می‌آید در ابتدا با موجی از دوگانگی روبرو شده و در پایان تمامی آنچه پیش از این توسط رسانه‌های غربی شنیده بود را چیزی جز کذب و تحریف نیابد.

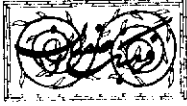
خانم دکتر ماری لوتران جامعه‌شناس و استاد دانشگاه‌های فرانسه از جمله کسانی است که با این شرایط به ایران آمد و پس از پایان اولین سفرش تصمیم گرفت اذهان گمراه شده مردم کشورش را با واقعیت‌ها آشنا سازد. وی طی سفرهایی که به ایران داشته است، تحقیقات زیادی بر روی زنان ایرانی، حجاب و مشارکت اجتماعی آنان انجام داده و هم‌اکنون نیز مشغول مطالعه بر روی این موضوعات می‌باشد.

سفر وی به اصفهان فرصتی پیش آورد تا از نزدیک با نتایج تحقیقات و نظراتش در مورد زنان ایرانی و به خصوص زنان اصفهانی و بحران مذهب در اروپا آشنا شویم.

ضمن تشکر از سرکار خانم دکتر یزدخواستی استاد دانشگاه اصفهان که موجبات انجام این مصاحبه را فراهم نموده و زحمت ترجمه آن را به عهده گرفتند، توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم:

□ سرکار خانم دکتر لوتران لطفاً مختصری در مورد شرح حال خود بفرمایید.

- من در یکی از روستاهای فرانسه که در ۱۲۰ کیلومتری یکی از شهرهای بزرگ است، به دنیا آمدم. پدر و مادرم فرانسوی و فروشنده سوپرمارکت بودند. تحصیلاتم را تا پایان ابتدایی در دبستانهای معمولی گذراندم و بعد از آن جهت ایجاد شرایط بهتر تحصیلی وارد کلاسهای شبانه روزی شدم. تحصیلات دانشگاهی را در شهر تولوز که دومین شهر دانشگاهی فرانسه است ادامه دادم و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس زبان شناسی و دکترای جامعه‌شناسی شدم. تخصص خودم را روی مهاجرین، نقش مهاجرت و مسلمانان مهاجر در غرب گذراندم که این مطالعه‌ها و تحقیقات مرا به طرف مذهب کشاند. جامعه‌شناسی مذهب را به عنوان رشته اصلی تحقیقم



انتخاب کردم و دلیل انتخاب چنین موضوعی این بود که من نمی‌توانستم هم‌رنگ جامعه خودم پیش بروم و موضوعی را برای تحقیق انتخاب کنم که با زندگی و حالات درونی من ارتباط ندارد و یک حالت مصنوعی دارد. به همین علت بر روی حاشیه‌نشینها در غرب و حاشیه‌نشینهایی که دارای مذهب و به طور خاص مذاهب الهی هستند تحقیق کردم. عمده تحقیقاتم را بر روی معنویت و رشد آن در غرب و شکستهایی که از لامذهبی متوجه آنها شده است انجام داده‌ام. هم‌اکنون ۳۵ سال دارم و استادیار دانشگاه هستم ولی به دلیل اینکه بر روی اسلام، حجاب و حضرت فاطمه زهرا (س) مطالعه دارم و رئیس دانشگاه یک صهیونیست است به اتهام جاسوسی برای ایران فعلاً کلاسهای محدودی دارم و به طور رسمی تدریس نمی‌کنم.

□ چه عاملی باعث آشنایی شما با اسلام، ایران و در نهایت علاقمند به مطالعه بر روی این موضوعها و به ویژه موضوع زنان ایرانی شد؟

- من هنگامی که ۱۸ سال داشتم و در دانشگاه درس می‌خواندم با خانم یزدخواستی آشنا شدم. او تنها دختر محجبه دانشگاه بود و بر خلاف تصور، با همه دانشجویان می‌جوшید و صحبت می‌کرد. آرامش درونی که او داشت برایم جالب بود، کم‌کم با او رفت و آمد پیدا کردم و وقتی به خانه آنها رفتم دیدم نماز می‌خواند. بعدها من هم برای آرامش یافتن با او نماز می‌خواندم و روزه می‌گرفتم. گاهی مواقع تا ساعت ۲ یا ۳ نیمه شب بیدار می‌ماندم و از او در مورد مذهب و اعتقاداتش سؤال می‌کردم و بعد از سالها تصمیم گرفتم با سفر به ایران اطلاعاتم را تکمیل کنم و حقیقت را بیابم.

اولین بار در سال ۱۹۹۲ به منظور تفریح و دیدار دوستم خانم یزدخواستی به ایران آمدم. در حالیکه تصور بسیار ترسناکی از ایران داشتم چون به من گفته بودند که در این کشور مرا خواهند کشت، ایرانیها قاتل هستند، تا جایی که خانواده‌ام با اصرار از من آدرس می‌خواستند که اگر زندانی شدم نجاتم دهند و من تا حدودی تحت تأثیر این القانات قرار گرفته بودم.

وقتی به ایران آمدم به دلیل اینکه مجرد بودم اجازه ورود به من نمی‌دادند تا اینکه با اصرار و دوندگی زیاد وارد ایران شدم. هفته اول که در ایران بودم مثل یک خارجی قضاوت عجولانه‌ای نسبت به این کشور داشتم. احساسی که نسبت به زن ایرانی داشتم بسیار مبهم بود و به دلیل اینکه در فصل تابستان و اوج گرما مسافرت می‌کردم به مقررات حجاب و ... اعتراض داشتم و فکر می‌کردم این کار، سنبل زجر و محرومیت زن ایرانی است. این تصورات یک هفته بیشتر طول نکشید. دیدم مفرضانه و غربی من به ایرانیها کم‌کم جای خود را به واقع‌بینی داد. احساس کردم این مقررات ضامن سلامت حضور زن در جامعه است. بعد از مدتی متوجه شدم تمام اطلاعاتی که در غرب ارائه شده دروغ بوده است و این باعث شد به عنوان یک جامعه‌شناس نسبت به علم و بینشی که دارم عذاب وجدان پیدا کنم. در آن سال به مدت ۳ ماه در ایران بودم و نصف ایران از مشهد تا کرمان را گشتم و هر روز حقیقت تازه‌ای کشف می‌کردم. وقتی به فرانسه برگشتم نتوانستم ساکت بمانم. تصمیم گرفتم واقعیتها را منعکس کنم و این پیغام را به غرب برسانم که چقدر در مورد یک فرهنگ باارزش، دروغ وجود دارد. تصمیم گرفتم روی ایران و بخصوص زن ایرانی تحقیق کنم.

□ مطمئن باشید که اگر کتابهایی در مورد اسلام، شیعه و جمهوری اسلامی ایران ترجمه شود قطعاً مورد توجه افراد فرهنگی و مذهبی کشور ما قرار خواهد گرفت.



Pau delà nos différences, la
rencontre du cœur est inévitable,
sur le chemin de l'humanité!

Jr. Claude
Jellia

صرف نظر از تفاوت‌های ظاهری، ارتباط قلبی عمیق بین انسانها گسستنی نیست.

□ لطفاً دربارهٔ تحقیقاتی که تاکنون در مورد زن
ایرانی انجام داده‌اید صحبت کنید.

- قبل از اینکه در مورد تحقیقاتم توضیح دهم باید به دو
نکته اشاره کنم. اول آنکه من هیچ وقت در زندگی پیش‌بینی
نکرده بودم که به خاطر پول یا هر چیز دیگری بخواهم روی
زن ایرانی تحقیق کنم و پروژه‌ای تنظیم کنم، یا به یک نتیجه
خاص برسیم ولی همانطور که گفتم وجود تحریفها و جریان
یک سو به اطلاعات و دید اشتباهی که در مورد زن ایرانی در
غرب وجود داشت، این رسالت را به دوش من نهاد که آنچه
دیده‌ام و می‌دانم را به جامعه غرب منتقل کنم. دیگر آنکه در
کلیهٔ تحقیقاتم به دلیل اینکه مفرضانه یا از روی تعصب
برخورد نشود و یا برچسب نخورد از روش‌های کاملاً علمی و
جامعه‌شناسانه استفاده کرده‌ام و همانطور که گفتم تحقیقات من
بعد از اولین سفرم به ایران شروع شد. با وزارت امور خارجه
تماس گرفتم و پیشنهاد من در مورد پروژهٔ تحقیق بر روی
حجاب، معنا و مفهوم آن در زندگی زن ایرانی، پذیرفته شد.
سال بعد در سال ۱۹۹۳ با زنان مهم ایران از جمله نمایندگان

مجلس و خانم شهلا حبیبی در مورد حجاب و زندگی زن
ایرانی مصاحبه کردم. پس از آن تصمیم گرفتم برای درک
بیشتر حقیقت، زبان فارسی را یاد بگیرم تا بهتر بتوانم ارتباط
برقرار کنم.

موضوع دیگر، تحقیق بر روی هفتهٔ زن در ایران بود که
در این زمینه مقاله‌ای تحت عنوان « هفتهٔ زن به عنوان ستون
اصلی مشارکت اجتماعی زنان » نوشتم. در این نوشته مسلماً
می‌بایستی در مورد مناسبت هفتهٔ زن توضیح می‌دادم و طبیعتاً
به حضرت فاطمه زهرا (س) و زندگی ایشان و دوازده امام و
ارزشهایی که بر آن تکیه می‌شود و الگو قرار داده می‌شود
اشاره می‌کردم، که این تحقیقات با موفقیت به پایان رسید که به
تازگی چاپ شده است.

یکی دیگر از تحقیقاتم برای نشان دادن واقعیت فعلی
ایران و آنچه که پیش از این در ایران بود انجام شده است. در
این رابطه یک بررسی محتوایی از تصاویر مجله زن‌روز قبل
از انقلاب و بعد از انقلاب صورت گرفت تا جایگاه واقعی
فرهنگی زن در قبل و بعد از انقلاب مشخص شود. این بررسی



به تحلیل ارزشهایی مثل جذابی، زیبایی و غیره می‌پردازد که در زمان طاغوت برای مجله زن روز مطرح بوده و آن را با ارزشهایی که فعلاً مطرح است مقایسه می‌کند. همچنین تفاوت تعریف آزادی بین دو رژیم که قبلاً آزادی و زندگی را در چه می‌دیدند و فعلاً در چه می‌بینند نیز بررسی می‌شود. این تحقیق نیز به صورت مقاله چاپ شده است.

بزرگترین تحقیقی که هنوز در شرف انجام آن هستیم در مورد «حجاب معنا و مفهوم آن در زندگی روزمره زن مسلمان» می‌باشد. این تحقیق را با همکاری صمیمانه دانشگاه اصفهان و با کمکهایی که دکتر رزمجو ریاست دانشگاه و دکتر اژه‌ای معاونت پژوهشی مبذول داشته‌اند، در حال انجام است. همکار اصلی این تحقیق سرکار خانم دکتر یزدخواستی می‌باشند. در این تحقیق نیز از حجاب زنان به عنوان ابزاری برای بیان واقعیت زندگی آنها استفاده شده است که به صورت یک کتاب در خواهد آمد. همچنین به دنبال برگزاری یک سمینار و نمایشگاه عکس که از واقعیت زندگی زنان ایرانی به مدت یک ماه در یونسکو برگزار شد سه هفته متوالی با رادیو مصاحبه داشتم که در آن پاره‌ای از واقعیت‌های موجود در مورد زنان ایرانی بیان شد.

□ به نظر شما چرا اقشار تحصیلکرده و دانشگاهی اروپا، با وجود علم و دانشی که دارند، شناخت درست و مناسبی از جمهوری اسلامی ایران ندارند و اگر اینطور نیست پس چرا سکوت می‌کنند؟

- از اینکه شما اینطور فکر می‌کنید متأسفم ولی واقعیت امر این است که شما نباید همه فرانسوی‌ها را به یک چشم نگاه کنید بی‌خبری از اسلام یا واقعیت‌های جمهوری اسلامی ایران در میان تمام اقشار جامعه نیست و علاوه بر آن باید توجه داشت که متأسفانه برای کسانی که علاقمندند از واقعیت‌های جمهوری اسلامی مطلع شوند، به دلیل کمبود اطلاعات، این امکان وجود ندارد. درست است که ما از نظر علم ثروتمند هستیم ولی همه این ثروت مربوط به علم مادیت است نه علمی که شما می‌دانید. واقعیت امر این است که ما در مورد اسلام اطلاعات کمی در دست داریم. آنچه داریم هم در مورد اسلام اهل سنت است و برای مطالعه بر روی شیعه هیچگونه منبعی در غرب وجود ندارد. آنچه قابل استفاده است معدود ترجمه‌هایی است که از کتابهای شهید مطهری و یا وصیتنامه امام خمینی (ره) به دست ما رسیده است ولی اگر بخواهیم در مورد دوازده امام مطالعه کنیم هیچ منبعی وجود ندارد. من با تعدادی از خواهران لبنانی در تماس هستم و بعضی از کتابها و یا روزنامه‌ها را زیرنویس می‌کنم و برای آنها می‌فرستم، برای آنها از امامان شیعه می‌گویم که بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد (به دلیل اینکه در لبنان کتابهایی در مورد شیعه یا از این قبیل، در حکم قتل و قاچاق است و مجازات سنگینی دارد) پس اینطور نیست که این بی‌اطلاعی از روی بی‌علاقگی باشد بلکه به دلیل کمبود منابع است. مطمئن باشید که اگر کتابهایی در مورد اسلام، شیعه و جمهوری اسلامی ایران ترجمه شود قطعاً مورد توجه افراد فرهنگی و مذهبی کشور ما قرار خواهد گرفت.

به نظر من باید بین دو کشور تبادل فرهنگی برقرار شود و راههای ارتباط فرهنگی با یکدیگر بازتر شود تا تصورات غلط در مورد کشورها جای خود را به واقع‌گرایی بدهد. این مسئله که در غرب به شما به چشم یک کشور عقب افتاده و ...

□ **زنان اصفهان از زن خانه‌دار تا زنان فرهنگی بالا، همچنان که ما کس و بر می‌گوید - باید به یک ایده‌آل برسیم - به حد ایده‌آل رسیده‌اند. سعی می‌کنند در مسیری که هستند، بهترین باشند.**

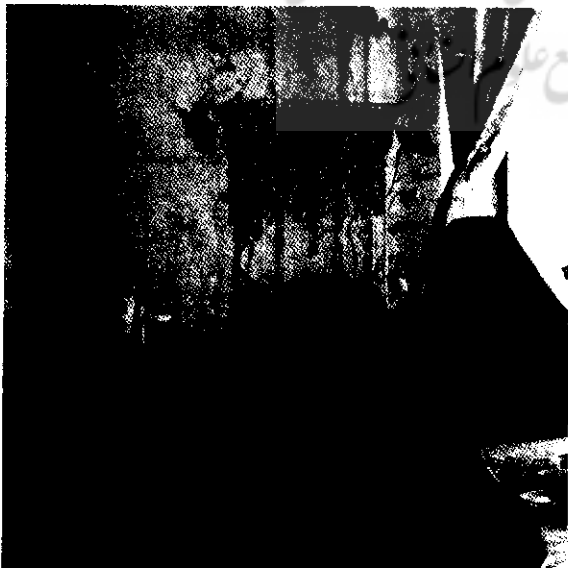
نگاه می‌کنند به همان اندازه غلط است که شما در اینجا زن غربی را لخت و عریان بدانید، در صورتی که گرایش مذهبی زنان ما به مذهب خیلی زیاد است پس ما باید خارج از این فرم ظاهری پیشرفت کنیم و با انجام تحقیقات عمیق، راههای خیلی ملایم گسترش فرهنگ اسلامی را در غرب باز کنیم.

در مورد بخش دوم سؤال باید بگویم باز هم تصور شما اشتباه است، چون کسانی که به نحوی به آن آگاهی دست یافته‌اند در آگاه سازی دیگران دریغ نمی‌کنند. به عنوان مثال رئیس دانشگاه علوم پزشکی فرانسه یک کلاس شناخت تاریخ شیعه در غرب برپا کرده و مشغول تدریس است و با موشکافی در مورد تاریخ شیعه تحقیق می‌کند. یا خود من نمایشگاهی در مورد شخصیت زن ایرانی و پویایی آن برپا کردم که در آن نمایشگاه ۸۰۰ عکس به مدت یک ماه و با هزینه شخصی خودم در یونسکو گذاشته شد و در همان مکان به مدت ۱۰ شب در این مورد سخنرانی داشتم که با استقبال مردم مواجه شد و در مقابل، ایرانیهای مخالف رژیم ایران اعتراضهای تندی به صحبتهای من داشتند.

□ جنابعالی به عنوان یک جامعه‌شناس آینده‌
اخلاقی اروپا را در دهه‌های آینده چگونه می‌بینید؟

- من در این زمینه مقاله‌ای به نام بحران معنویت و بازگشت به دینداری نوشته‌ام. در آن مقاله ذکر کرده‌ام که فعلاً در غرب یک بحران شدید معنویت وجود دارد و در کنار، یا موازی این بحران معنویت، بازگشت به دینداری وجود دارد که فعلاً بین عده معدودی است. این بازگشت به دینداری و مذهب یا دوباره زنده شدن و نیرو گرفتن مذاهب آسمانی و یکتاپرستی، مسیرهای مختلفی را طی خواهد کرد. در مرحله اول به دلیل اینکه یک کشور فردگرا هستیم و این تحقیقاتی که در مورد مذهب صورت می‌گیرد فردی است ممکن است حالت از چاه به چاله افتادن پیش بیاید و مشکلات شدیدی به وجود آید تا به یک مشکل معنوی و اخلاقی بالایی برسیم. مورد دیگر مشکلات اجتماعی است که افراد جامعه را وادار می‌کند به یک اخلاق واحدی برسند و در حقیقت از طریق کمک به دیگران مثل کمیته امداد امام در ایران و یک چیزی

مثل این یا یک جمعیت خیریه به وحدت برسند و از این طریق نور الهی در آنها رشد کند و بیدار شوند. به نظر من این خداست که کمک می‌کند تا کسی به دیگران کمک کند. در کشور ما مردم ترجیح می‌دهند غذا یا لباس خود را دور بریزند و به دیگران ندهند. به هر حال ما شکنجه زیادی را خواهیم دید یک بحران شدید اخلاقی را پشت سر خواهیم گذاشت تا به یک وحدت برسیم تا اینکه بتوانیم خدا را درک کنیم. در آینده مقاومت‌هایی را می‌بینیم که ممکن است ما را به راههای یکتاپرستی برساند. به طور کلی شانس بزرگی که داریم این است که کشور ما یک مجموعه فرهنگی است یعنی یک فرهنگ مطلق در آن وجود ندارد بلکه فرهنگهای مختلف در آن زندگی می‌کنند. شانس بزرگ ما این است که مهاجرین زیادی داریم و این مهاجرین فرهنگ خود را که شاید بهتر از فرهنگ ما باشد یا بدتر، عرضه می‌کنند و ما ممکن است بین اینها بهترین را انتخاب کنیم، همچنانکه روی موضوع حجاب دیدیم با وجود مخالفت صددرصد دولت، مردم پشتیبان آن هستند. دولت ما به دلیل اینکه یک دولت لامذهب است کاری می‌کند که راه توسعه فرهنگ کشورهای دیگر را سد کند، ولی از نظر من محققین و کسانی که بررسی کرده‌اند آینده کشور ما بعد از طی مشکلاتی به یک مسیر مذهبی خواهد رسید. امیدوارم روزی به این مسیر برسیم.





□ به نظر شما مشکل مشترکی که بین زن غربی و زن ایرانی وجود دارد چیست ؟

- بزرگترین مشکلی که وجود دارد این است که در تمام جهان یک سیستم مرد سالاری و مرد محوری وجود دارد که این حکم کلی به طور نسبی از دیرباز بر جوامع حکمفرما بوده است و به هیچ وجه قابل تغییر نیست. اینکه از قبل پیش‌بینی شده است که کار خانگی صددرصد مربوط به زن است، در کل جهان یکسان است.

این امر ممکن است در فرهنگ ایرانی به یک شکل باشد و در فرهنگ غربی شکل دیگری پیدا کند ولی به هر حال در تمام جهان مردها محور اصلی همه کارها هستند و زن در حاشیه است.

□ جنابعالی به عنوان یک جامعه‌شناس اروپایی در سفرهایی که به اصفهان داشته‌اید، زنان این شهر را چگونه دیده‌اید و اگر مشخصه‌های بارزی در آنها مشاهده کرده‌اید بیان کنید :

- من برای اصفهان و زن اصفهانی ارزش خاصی قائل هستم و این از روی پیش‌داوری نیست. من به همه شهرهای ایران به جز جنوب آن سفر کرده‌ام ولی اگر بخواهم انتخاب کنم خودم را یک اصفهانی می‌دانم و فکر می‌کنم در اصفهان متولد شده‌ام.

□ به نظر من باید بین دو کشور تبادل فرهنگی برقرار شود و راههای ارتباط فرهنگی با یکدیگر بازتر شود تا تصورات غلط در مورد کشورها جای خود را به واقع‌گرایی بدهد.

من زن اصفهانی را در دانشگاه، کمیته امداد، بیمارستانها، ارشاد یا کمیسیون امور بانوان دیده‌ام و مورد مطالعه قرار داده‌ام. زنان این شهر از زن خانه‌دار تا زنان فرهنگی بالا و تشرهای مختلف همچنان که ماکس وبر می‌گوید - باید به یک ایده‌آل برسیم - به حد ایده‌آل رسیده‌اند. یعنی اینکه درون خود اخلاقی دارند که نسبت به آن احساس تعهد می‌کنند. سعی می‌کنند در مسیری که هستند و کاری که انجام می‌دهند بهترین باشند و به خوبی انجام وظیفه کنند. زنان اصفهان علاوه بر اخلاق تعهدی، یک اخلاق مسئولیتی هم دارند که جامعه را خانه‌خود می‌دانند و سعی می‌کنند فعالیتهایی که انجام می‌دهند غیر از جنبه اقتصادی آن برای سالم سازی جامعه صورت گیرد تا محیط مناسبی برای رشد نسل آینده فراهم شود. من این مسئله را در اصفهان به وضوح دیده‌ام و قضاوت من این است که دلیل آن گرایش قوی مردم این شهر به مذهب در مقایسه با شهرهای دیگر است. من وقتی به ریشه خودم برمی‌گردم و سعی می‌کنم مقایسه کنم می‌بینم در آن جامعه که یک جامعه مصرف کلان است، بخش اول به خوبی انجام می‌شود یعنی فرد کار می‌کند و نسبت به آن احساس تعهد می‌کند ولی این تعهد در مقابل پول است ولی تعهد دوم که سازنده جامعه است را فقط در زن اصفهانی دیده‌ام و این مسئله نشانه پیشرفت آنهاست.

زن اصفهانی بین زندگی شخصی‌اش و زندگی در جامعه ارتباط نزدیکی به وجود آورده است. به عنوان مثال اگر مادری به مدرسه فرزندش مراجعه کند طوری صحبت می‌کند که مدرسه را بسازد، اگر در هفته زن مشارکت می‌کند سعی دارد هنر خود را به دیگر زنان آموزش دهد و بهترینها را بسازد نه اینکه خود را به نمایش بگذارد؛ بعضی مواقع ممکن است بدون اینکه هیچ نامی از او به میان آورده شود نمونه کارش در نمایشگاهی در معرض تماشا قرار گیرد. پس این کار یک پویایی دیگری دارد.

زن ایرانی و بخصوص زن اصفهانی واقعاً کارش خیلی خوب است و برای آن ارزش قائل است. ایسن زن با وظیفه سنگینی که در نقش مادری یا همسری به عهده دارد



مسئله‌ای که همیشه به یاد من خواهد ماند و هرگز آن را فراموش نخواهم کرد و پیوسته در ذهنم فیلم آن را می‌بینم، حرکت بسیار مثبت کمیته امداد است که امکان ازدواج جوانهای بی‌بضاعت را فراهم می‌کند، من در هفته زن دیدم که ۳۰۰ ماشین، جهیزیه عروس و دامادهای جوان را حمل می‌کردند، من عکس و پوستر زیادی از آنها گرفتم که این خاطره خوبی است و همیشه در ذهن من است.

من نمی‌توانم بگویم وقتی به مقبره خانم مجتهدة امین رفتم چه احساسی داشتم و چقدر برایم زیبا بود که توانستم یک زن ایرانی که به این مقام رسیده است را کشف کنم. یا مثلاً وقتی در میدان امام می‌نشینم هیچ وقت سیر نمی‌شوم و یا وقتی که به مسجد می‌روم و نماز می‌خوانم لحظه‌های شیرینی است که هیچ وقت از ذهن من محو نمی‌شود و مکانهایی است که به من شوک وارد کرده است و مرا تکان داده است و جالب‌تر هنگامی است که سخنرانی خانم همایونی یا دیگران را گوش می‌دهم و عمق مسأله آنها را می‌فهمم. اینها در تمام وجودم شکل می‌گیرد، در ذهن من است و همیشه با من خواهد ماند.

به خوبی بار سنگین زندگی و جامعه را به دوش می‌کشد که من هیچ زن غربی را اینطور ندیده‌ام. اصفهان منحصر به فرد است. قابل مقایسه با هیچ جای دیگر نیست. شهر بزرگی شده و نسبت به سالهای قبل که من آن را دیده‌ام رشد زیادی کرده است ولی بر خلاف شهرهای دیگری که مثل این شهر بودند و به طرف مادیگری گرایش پیدا کردند، سنت، منزلت و ارزش والای خود را چون گذشته حفظ نموده است و زنان این شهر نیز معرف چنین عظمت و بزرگی می‌باشند. معرف هنر دیرینه، معماری و مذهب آن شهر که در دنیا زبانزد است.

□ اگر خاطره‌ای از سفرهایتان به اصفهان دارید

بفرمایید؟

- هر لحظه سفر من به ایران خاطرات بسیار خوب و شیرین دارد که نمی‌دانم کدام یک از آنها را تعریف کنم. هر لحظه آنها برای من با ارزش است و اگر یکی از آنها را بگویم و دیگری را نگویم حق مطلب ادا نشده است. علاوه بر این من نمی‌توانم اسم آنها را خاطره بگذارم چون خاطرات یعنی یک چیزی که گذشته رفته است ولی من لحظه به لحظه با اصفهان زندگی می‌کنم و یاد آن همیشه برای من زنده است. یک